

بهاءالدین زکریای ملتانی

رضا مصطفوی سبزواری*

یکی از ویژگیهای بارز مشرق زمین که نگارنده آن را افتخاری بزرگ برای شرق می‌شمارد، وجود عارفان بزرگی است که در دامن خود پرورش داده است این عارفان پاک نهاد و پاک باخته سهم بسیار زیادی در تربیت و تعلیم توده‌های مردمی دارند که بدون شک اگر وجود آن عارفان بزرگ نبود بسیاری از مردم کوچه و بازار آن روزگار هرگز به راه علم و کمال نمی‌رفتند؛ بعضی از همین مریدان و شاگردان مکتب آنان بودند که بعدها با تلطیف روح و تعلیم و تربیت نسل‌های بعد از خود منشاء خدمات ارزنده‌ای به جوامع مسلمان و جهان اسلام شدند که علی بن عثمان جلّابی هجویری غزنوی، خواجه عبدالله انصاری معروف به پیر هرات، شیخ شهاب‌الدین سهروردی، بابا فرید گنج شکر، خواجه نظام‌الدین اولیا، مولای روم، فخرالدین عراقی، سنایی غزنوی و بالاخره شیخ بهاء‌الدین زکریای ملتانی سهروردی (م: ۱۷ صفر ۶۶۶ ه.ق) و

*- استاد فارسی دانشگاه علامه طباطبائی - تهران.

۱- خلاصه العارفين، ص ۱۷۱، يوم الخميس بعد اداء الظهر حين قرب دخول العصر في السابع من الصفر سنة ست و ستين و ستمائة من الهجرة المقدسه.

ملقب به غوث العالمین و بدرالمشایخ و قطب العالمین و غوث الثقلین و بهاء الحق^۱ از جمله آنانند.

از خدماتهای ارزشمند دیگری که این عارفان بزرگ به جهان بشریت عرضه داشته‌اند آثار مکتوب یا ملفوظاتی بوده است که در درازای تاریخ همواره مورد استفاده نسلهای بعد از آنان قرار گرفته و غیرمستقیم سهم بسیار بالایی در تعلیم و تربیت و مخصوصاً تعلیمات اسلامی داشته و عالی‌ترین اندیشه‌های عرفانی و انسانی را به جامعه زمان خویش عرضه داشته‌اند که به عنوان مثال می‌توانیم به کشف المحجوب هجویری، اسرارالاولیای بابا فرید کیمیای سعادت امام محمد غزالی، مثنوی معنوی مولای روم، مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری، فوایدالنفواد و دیگر آثار گرانبهای آنان اشارت کنیم. اما شکی نیست که «شعر» در میان طبقات مختلف مردم تأثیر بیشتری از نثر داشته و دارد و بدون دلیل نیست که در این اواخر تحقیقاتی در زمینه تأثیر شعر در افراد انجام گرفته و پژوهشهایی تحت عنوان «شعر درمانی» فراهم گردیده است.

شعر در خانقاه‌ها و مراکز تعلیماتی صوفیان و عارفان سهم بسیار والایی در جهت تأثیر در مریدان داشته و همراه با موسیقی در مجالس سماع نقش بسیار سودمند و ارزنده‌ای را ایفا می‌کرده است.

اشعار منقول از زبان مبارک^۲ حضرت زکریای ملتانی اگرچه از جهت کمیّت زیاد نیست ولی از لحاظ کیفیت و محتوا بسیار مؤثر و ارزشمند محسوب می‌گردد.

آن کس که ترا شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند؟
دیوانه کنی هر دو جهانش بدهی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند؟

۱- احوال و آثار شیخ بهاءالدین زکریای ملتانی، ص ۲۲.

۲- خلاصه العارفین، ص ۱۴۹، البتّه این دو بیت به دیگر عارفان و از جمله خواجه عبدالله انصاری نیز منسوب است.

در توجیه دو بیت اخیر از رساله خلاصه العارفين^۱ «مجموعه تقریرات حضرت شیخ بهاء‌الدین زکریای ملتانی سهروردی» از زبان او چنین نقل شده است که:

«عشق آن است که کسی به جز خدای تعالی نبیند، پس بهشت و دوزخ و عذاب

و ثواب و اهل و فرزندان و مال کی تواند دید؟»^۲

که این ابیات خود دلیل نهایت خلوص و اعتقاد راستین و محو کامل و فناء او در وجود حضرت حق تعالی است.

یکی از تعبیرات و خطابهای عارفان به حضرت حق کلمه «دوست» است که می‌تواند نهایت تقرب به حق و نزدیکی به او را برساند و توجیهی باشد در جهت بیان آیه شریفه «و نحن اقرب الیه من حبل الوريد»^۳ و به قول سعدی: «دوست نزدیک‌تر از من به من است». حافظ شیرازی نیز همین تعبیر دوست را درباره پروردگار بکار برده است:

سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار در گردشند بر حسَب اختیار «دوست»

شیخ بهاء‌الدین زکریا نیز در خطاب به حضرت حق از همین تعبیر زیبای «دوست»

یاد می‌کند و چنین می‌فرماید:

در یاد تو ای دوست چنان مدهوشم

صد تیغ اگر زنی به سر نخروشم

آهی که زخم به یاد تو وقت سحر

گر هر دو جهان دهند هم نفروشم^۴

۱- مجموعه یادشده از زبان سه عارف بزرگ، فریدالدین گنج شکر (م: ۶۶۴ هـ)، خواجه نظام‌الدین اولیا (م: ۷۲۵ هـ) و شیخ جلال‌الدین بخاری سهروردی (م: ۶۹۰ هـ) نقل گردیده است.

۲- خلاصه العارفين، ص ۹-۱۴۸.

۳- سوره ق (۵۰)، آیه ۱۶.

۴- خلاصه العارفين، ص ۱۴۸.

که نوشته‌اند^۱ حضرت شیخ بهاء‌الدین در مسجد کهف بغداد نشسته بود و در میان جمعی سخن از «عشق» می‌رفت. وقتی آن دو بیت بر زبان ایشان روان گردید، چنان ذوق و شوری در هر یک از حاضران پیدا شد که اگر صد سال بکوشند چنان ذوقی پیدا نمی‌شود.

بعضی اشعار حضرت شیخ بهاء‌الدین زکریا که از عالم شوق و عشق و دلدادگی و محو او در ذات حضرت باری تعالی نشات می‌گیرد، شور و جذبه و تأثیر خاصی دارد:

با درد بساز چون دواى تو منم در کس منگر چو آشنای تو منم
گر بر سر کوی عشق من کشته شوی شکرانه بده که خونبهای تو منم^۲

گفته‌اند شیخ زکریا این دو بیت اخیر را بسیار و با شوق بر زبان می‌راند و همواره ورد زبانش بود و هفت شبانه روز در عالم عشق و شوق حضرت ربوبیت مستغرق بود و خبر از عالم جهانی نداشت.^۳

اشعار فارسی شیخ بهاء‌الدین زکریا دستورالعمل‌هایی بسیار نغز و دلچسب و سودمند نیز محسوب می‌گردد. او بر این باور است که اگر موحدی در حالت نماز بجز به حق بیندیشد و جز حق تعالی را در نظر داشته باشد، چنین نمازی «نماز موحدان نیست، بلکه بازی کودکان بود»^۴.

تن درون نماز دل بیرون گشت‌ها می‌کنی زنادانی
این چنین حالت پریشان را شرم بادا نماز می‌خوانی
وجود عارفان بزرگی همچون شیخ بهاء‌الدین زکریای ملتانی مؤسس طریقه سهروردیه در شبه قاره و هم فکری و هم مسلکی او با عارفان ایرانی را باید یکی از

۱- خلاصه العارفین، ص ۱۴۸.

۲- به نقل بابا فرید گنج شکر اسرارالاولیا، ص ۸۵؛ خلاصه العارفین، ص ۱۴۸.

۳- خلاصه العارفین، ص ۱۴۷.

۴- همان، ص ۱۶۸.

حلقه‌های اتصال فرهنگ غنی مشترک ایران و شبه قاره دانست که سهم زیادی در خلق آثار مشترک فرهنگ ایران و شبه قاره دارند و همین تأثیر و تأثرات آنان از یکدیگر خود یکی از مهمترین حلقه‌های پیوند کشورهای دوست و برادر و هم فرهنگ ایران و شبه قاره محسوب می‌گردد که همه ما برای استحکام این دوستی قدیمی و پایدار دعا می‌کنیم.

* * *